

سخنرانی وزیر آموزش و پرورش در گردهمایی سالروز جهانی خانواده



عالی جوانان، آقای دکتر سجادی و دیگر اساتید و اندیشمندان و حضار محترم تشکر می‌کنم. امیدوارم مباحثی که در این اجلاس مطرح می‌شود و همچنین نتایج مباحثات و گفت‌وگوهای کارگاههای آموزشی که درباره موضوعات مختلف تشکیل می‌گردد، به‌عنوان تجربه مشترک دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران و سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی‌های آینده و اعتلاء و استحکام

بسیار خوشوقتم از اینکه در آستانه سالروز جهانی خانواده، در محفلی که برای بزرگداشت و تکریم نهاد خانواده و بحث و گفت‌وگو درباره نقش و کارکرد و اهمیت آن، با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان و مسؤولان اجرایی تشکیل یافته است، شرکت کرده‌ام. پیشاپیش از قبول دعوت آقایان وزرای فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، آقای دکتر شریعتمداری، دبیر محترم شورای

نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران مفید و پرنرم باشد و نمونه خوبی از همکاریهای مشترک یک نهاد آموزشی و پژوهشی با یک سازمان اجرایی، آموزشی تلقی گردد.

چند سال قبل بعد از اعلام سال جهانی خانواده از سوی سازمان ملل متحد (۱۹۹۴)، که به همین مناسبت مراسم نیز توسط جمهوری اسلامی ایران با حضور اندیشمندان و صاحب نظران در همین تالار برگزار شد، مجمع عمومی سازمان ملل درخواست نمود که پانزدهم ماه مه، مطابق با ۲۵ اردیبهشت هر سال به عنوان روز جهانی خانواده از سوی کشورهای عضو پذیرفته گردد و در این روز به اهمیت و جایگاه خانواده و نقش آن پرداخته شود.

بدون شک از دیدگاه ما نیز خانواده دارای اهمیت و صاحب منزلتی خاص در حیات بشری است و اساساً خانواده در پاسخ به نیاز فطری بشر شکل گرفته است. به عبارت دیگر انسان براساس سرشت و نیاز ذاتی خویش به انس و الفت با دیگران و مصاحبت و همراهی و همراز شدن با آنان نیازمند است و خانواده نهادی است که به این نیاز فطری بشر به صورت طبیعی، عمیق و آرامش بخش پاسخ می دهد. ازدواج و پیوند زن و مرد که ارتباطی عمیق و براساس سرشت انسانی هر دوی آنهاست و رشد و تکامل آنها نیز در گرو چنین پیوندی است، سنگ بنای خانواده را بنیان می گذارد. با ایجاد این رابطه، روابط نسبی و سببی دیگر که در تقویت بنیانهای اجتماعی در طول تاریخ بشری مؤثر بوده، به وجود می آید. بنابراین می توان گفت نهاد خانواده، مؤثرترین نهاد اجتماعی است که همواره نقطه اتکایی برای

حل بسیاری از مشکلات روانی و درونی انسان و نیز مشکلات اجتماعی جوامع بشری بوده و به همین جهت همواره فکر و ذهن بشر به ویژه اندیشمندان و صاحب نظران مسائلی اجتماعی و فرهنگی را به خود معطوف ساخته است.

اما در این سالهای اخیر به رغم اینکه بسیاری از صاحب نظران و دانشمندان علوم اجتماعی و تربیتی معتقدند که نقش خانواده در ایجاد آرامش روحی و روانی و استحکام روابط فرهنگی و اجتماعی و انتقال ارزشها و باورهای اصیل به نسلهای آینده بی بدیل است و خانواده می تواند به عنوان یک نهاد اجتماعی، نوجوانان و جوانان فعلی و نسلهای آینده را در مقابل آسیب های اجتماعی، فرهنگی، ناهنجاریها، بزهکاریها و فساد و انحراف مصون سازد، باز این سؤالات مطرح است که چرا تمایل به تشکیل کانون خانواده مخصوصاً در کشورهای صنعتی مثل کشورهای اروپایی و امریکایی کاهش یافته است و چرا نظام سنتی و مبتنی بر قداست خانواده مبدل به بناهای متزلزل و در حال فروپاشی شده است؟! اگر امروز سازمانهای جهانی مانند سازمان ملل، یونسکو و یا بسیاری از شوراهای انجمنهایی که در کشورها در سطح ملی فعالیت می کنند، توجه تازه ای به موضوع خانواده پیدا کرده اند و تشویق می کنند که درباره اهمیت نهاد خانواده آگاهی های بیشتری به مردم داده شود، بخشی به اهمیت و شأن و قداست خانواده در حفظ کیان اجتماعی و روابط سالم اجتماعی بر می گردد که امروز به میزان بیشتری درک شده است، اما یقیناً بخشی از آن ناشی از مشکلاتی است که جوامع غربی به دلیل سست شدن بنیان خانواده و تلاشی شدن کانون خانواده با آن



شده است آمار نگران کننده‌ای از مشکلات اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی را نشان می‌دهد که ناشی از تزلزل نهاد خانواده در این جوامع است. مثلاً در گزارش رسمی شورای خانواده‌ها در آمریکا آمده است که ۳۰٪ کودکان این کشور نامشروع هستند، یعنی بدون ازدواج قانونی و رسمی پدر و مادر متولد شده‌اند. و براساس گزارش مرکز ملی آمار بهداشتی آمریکا، در سال ۱۹۸۹ یک میلیون کودک از مادرانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، به دنیا آمده‌اند. در تحقیق دیگری که توسط "بامپاس" و "مارتین" گزارش شده است، ۲۱٪ از دواج‌ها در آمریکا در سال ۱۹۸۹ به طلاق انجامیده است و پیش‌بینی کرده‌اند طلاق به زودی یک امر عادی و نه استثناء تلقی خواهد شد.

همچنین در آماري که از سوی یک مؤسسه تحقیقاتی غربی منتشر شده آمده است: در کشورهای شمال اروپا مخصوصاً کشورهای

مواجه شده‌اند. همان مشکلاتی که سؤالهای پیشین را در ذهن اندیشمندان مطرح کرده و مصلحان اجتماعی را نیز اندیشناک و دل‌نگران نموده است.

ذکر نمونه‌هایی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی در چنین جوامعی شاید برای برخی از کسانی که در ارتباط کمتری با جوامع غربی بوده‌اند و یا مطالعات اندکی در این زمینه دارند، این ذهنیت را بوجود آورد که گفتن اینها نوعی شعار سیاسی یا فرهنگی است و یا استدلال کنند که چون امروز دنیای غرب نسبت به کشورهای اسلامی مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران از جهات سیاسی، اقتصادی فشار وارد می‌کند، ما نیز در مقابل از غرب به جهت اجتماعی، فرهنگی انتقاد می‌کنیم. اما حقیقت امر این است که بسیاری از گزارشهای تحقیقاتی که در این چند سال اخیر از سوی دانشگاهها و یا مؤسسات تحقیقاتی کشورهای غربی منتشر

را بازسازی نکنیم قادر به حل مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی نخواهیم بود.

در پاسخ به سؤالی که طرح شد، بدون شک درک قداست زندگی خانوادگی مقدم بر هر چیزی است، همچنانکه در بیانیه سازمان ملل متحد نیز به مناسبت سال جهانی خانواده بر همین معنا به نوعی تأکید شده بود که "اولین اقدام لازم برای تحکیم خانواده بازگشت به ارزشهای معنوی و فرهنگی جوامع می‌باشد." ما اطمینان داریم استحکام و تعالی نهاد خانواده جز از طریق تعمیق ریشه‌های فطری پیوند خانوادگی و تحکیم پشتوانه‌های آن که از درون نظام ارزشی و اعتقادی الهی بر می‌خیزد، تضمین نمی‌شود. خوشبختانه یکی از افتخارات ما از نظر بینشی و مکتبی این است که در آن دورانی که مباحث اخیر و توجه به مسائل خانواده کمتر بود و حتی برای تشکیل خانواده بیشتر به مسائل سطحی غریزی و سائقه جنسی توجه می‌شد، مکتب اسلام نگاهی عمیق و ژرف نسبت به خانواده، نقش پدر و مادر، حقوق متقابل زوجین، فرزندان و حق خانواده بر اجتماع و حقوق جامعه بر خانواده داشته و از دیدگاه اسلام خانواده همواره از شأن و منزلت برخوردار بوده است.

جایگاه خانواده در نظام جمهوری اسلامی نیز نشأت گرفته از جهان بینی و تعالیم عملی اسلام است و از آن به عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان و ارتقای ارزشهای فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و عامل حفظ و صیانت ارزشهای انسانی، هویت فرهنگی، دینی و ملی یاد می‌کند. همچنانکه در قانون اساسی خانواده را واحد بنیادین جامعه معرفی کرده و معتقد است توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل

اسکاندیناوی ۳۰٪ کودکان پدران خود را نمی‌شناسند و در کشور سوئد در سال ۱۹۸۰ چهل درصد کودکان از مادران بی‌شوهر متولد شده‌اند. همین گزارش می‌گوید: تولدهای خارج از دایره ازدواج در استرالیا نیز گسترش یافته است به طوری که از ۵/۹٪ در سال ۱۹۶۰ به ۲۱/۷٪ در دهه اخیر رسیده است و ۳۷٪ زنان این کشور مادران بدون همسر هستند.

طلاق در کشورهای شمال اروپا به استثنای ایرلند که در آن طلاق ممنوع است، سیر صعودی داشته است. اخیراً نیز در گزارش یک مؤسسه تحقیقاتی انگلیسی که در برخی از نشریات امریکایی نیز منتشر شده آمده است: در ۳۹٪ مدارس مناطق شهری امریکا حداقل یک مورد تیراندازی منجر به جرح و قتل در سال و در ۲۳٪ مدارس چند مرتبه در سال صورت گرفته است.

روزنامه کریستین ساینس ماینیور به نقل از آخرین گزارش اداره امور جوانان وزارت دادگستری امریکا نوشته است: در سال ۱۹۹۲ تعداد ۱۱۸۶۵۲ پرونده قتل، تجاوز، دزدی و حملات خشونت‌آمیز تنها به دست نوجوانان زیر ۱۸ سال به ثبت رسیده است.

تحقیق دیگری نیز که از سوی امریکا منتشر شده نشان می‌دهد که ۷۷٪ مشکلات جوانان مانند ضرب و جرح، اعتیاد به مواد مخدر، دزدی و انحراف اخلاقی به مشکلات درون خانواده بر می‌گردد و در بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۵ جنایت‌های خشونت‌آمیز جوانان و نوجوانانی که بدون پدر و مادر بزرگ شده‌اند، ۷ برابر شده است.

در پایان همین گزارش چنین نتیجه‌گیری شده است: تازمانی که فرهنگ و عادت ازدواج

خانه و مدرسه در ایفای این وظیفه نقش مکمل همدیگر را دارند.

نقش خانه و مدرسه در فرهنگ‌سازی، حفاظت و صیانت از فرهنگ اسلامی و ملی و مقابله با فرهنگ مهاجم بیگانه چیز پوشیده‌ای نیست. همچنانکه نقش خانواده و مدرسه در رشد وفاق ملی، همگرایی مدنی و مشارکت عمومی در جهت ثبات سیاسی، اعتلای فرهنگی و توسعه و سازندگی انکارناپذیر است. اما در این تأثیرگذاری نخستین عامل مؤثر خانواده است و به‌عنوان اولین کانون نشر و انتقال فرهنگ و محل آموزش ارزشها و روشهای زندگی عمل می‌کند. مفاهیمی همچون عدالت، شجاعت، احسان و نیکوکاری، اعتماد متقابل، احترام، محبت، همکاری، ایثار، انتقادپذیری، عفو و اغماض، انضباط و رعایت حقوق و حدود را فرزندان برای نخستین بار در محیط خانواده تجربه می‌کنند.

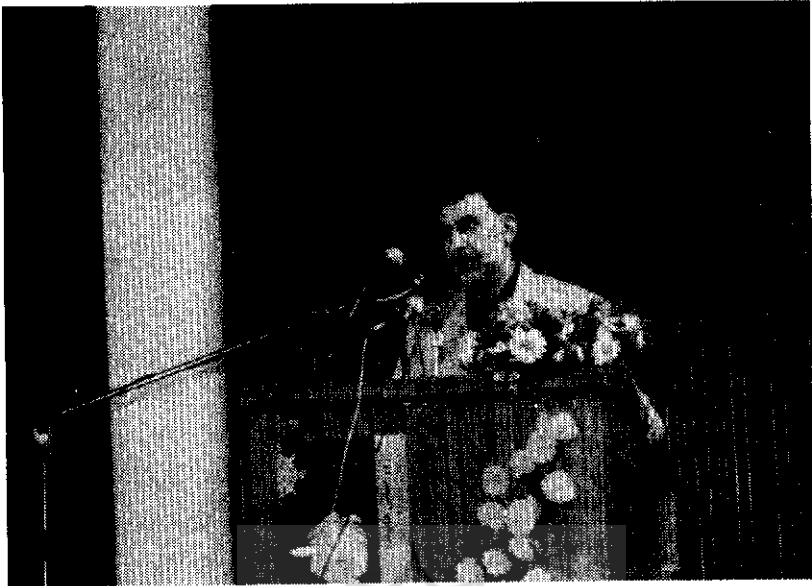
تأثیرپذیری افراد از خانواده‌ها بسیار شگفت‌انگیز است. "بلوم" مربی و محقق معروف تربیتی، میزان تأثیرات تربیتی خانواده را بر کودکان تا چهار سالگی به میزان ۴۵٪ و تا پایان سن ۶ سالگی ۶۵٪ می‌شناسد و می‌گوید تنها ۳۵٪ شکل‌گیری شخصیت تا سن ۲۰ سالگی صورت می‌گیرد. میزان تأثیرگذاری خانواده، بر تربیت اعضای آن در قیل و بعد از شروع تعلیم و تربیت رسمی به آن اهمیت خاص می‌دهد و ضروری است که در فرایند تعلیم و تربیت رسمی نیز به نقش خانواده در جهت پرورش دینی، اخلاقی، اجتماعی و رشد عاطفی و عقلی کودکان و نوجوانان توجه خاص مبذول گردد.

درست است که در جامعه ما در پرتو فعالیم

خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات برای نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی با چنین برداشتی از واحد خانواده "زن" را که رکن رکن خانواده است از حالت "شیء بودن" یا "ابزار کار بودن" در خدمت اشاعه فرهنگ مصرف‌زدگی و استثمار خارج می‌سازد و از او می‌خواهد که ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسانهای مکتبی، پیشاهنگ و هم‌رمز مردان در میدانهای فعال حیات باشد.

وزارت آموزش و پرورش و خانواده

وزارت آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی از جمله دستگاههایی است که بیشترین ارتباط را با خانواده‌ها دارد. تقریباً می‌توان گفت تنها دستگاهی است که با تمام خانواده‌ها در کشور ارتباط مستقیم روزمره دارد. ما بیش از هیجده میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر دانش‌آموز داریم که خانواده‌های این جمعیت دانش‌آموزی با ما مرتبط هستند و شریک کار ما در امر تعلیم و تربیت و همچنین متوقع از ما در امر آموزش و پرورش فرزندان‌شان می‌باشند. بنابراین طبیعی است که در دستگاه آموزش و پرورش، موضوع خانواده و تقویت ارتباط با آن یک مسئله مهم تلقی گردد. مسؤولیتی که آموزش و پرورش، به‌عنوان انتقال‌دهنده ارزشها و باورهای اعتقادی، ملی و فرهنگی و آماده‌سازی نسل آینده برای پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر عهده دارد، الزام می‌کند تا به موضوع خانواده توجه جدی داشته باشد. چون



و جدایی والدین ، نداشتن سرپرست و یاسرپرست ناشایست برمی‌گردد. یا اینکه نداشتن آگاهی‌های لازم تربیتی و عدم شناخت اصول زندگی مشترک موجب بروز مشکل در خانواده می‌گردد.

آموزش و پرورش در این چند سال اخیر در کنار آموزش و ارتقای دانش و آگاهی‌های معلمان و فرهنگیان ، به آموزش خانواده‌ها نیز همت گمارده است . چون معتقد هستیم خانواده زمانی به ایفای مسؤولیتهای خود به نحو مطلوب اقدام می‌کند که آگاهی لازم را داشته باشد. توانایی در گرو دانایی است . برای داشتن یک خانواده مطلوب که اعضای آن بتوانند وظایف خود را به نحو شایسته انجام دهند، کسب دانایی و آگاهی لازم است و مانند هر امر دیگری باید مهارتهای ضروری را کسب کرد.

طرح جامع آموزش خانواده که از سوی

اسلامی و حاکمیت ارزشها مشکلاتی که در جوامع غربی بروز کرده، وجود ندارد، اما امواج فرهنگ مهاجم غرب به سوی مشرق زمین نیز روانه است و برخی از عوامل تزلزل و بحران آفرین در محیط خانواده، در جامعه ما نیز می‌تواند بروز نماید. مثلاً اضطراب و فشارهای رو به تزاید در زمینه‌های تحصیلی و شغلی ، تغییرات اساسی در الگوهای تولید و مصرف ، تغییرات پدید آمده در شیوه‌های زندگی افراد، مهاجرت‌های بی‌رویه ، توژم جمعیت ، بحرانهای اقتصادی و سست شدن باورهای دینی می‌تواند خانواده را در معرض آسیب قرار دهد و از سوی دیگر غرایز و شهوات و تمایلات نفسانی در نزد همه انسانها موجود است و انحراف از فطرت پاک در مورد همگان ممکن است . برخی از تحقیقات ما نیز نشان می‌دهد که درصدی از مشکلات نوجوانان ما به مسائل درونی خانواده مانند اختلاف پدر و مادر، طلاق

آموزش مبتنی بر مطالعه و تحقیق در کشور است که همین ضرورت برای مطالعات خانواده نیز وجود دارد و بر همین اساس اقدام به اخذ مجوز برای راه‌اندازی مرکز مطالعات و تحقیقات خانواده شده است. هر چند امر پژوهش و تحقیق درباره خانواده از سوی آموزش و پرورش و سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان در حال حاضر نیز انجام می‌شود، اما ضرورت دارد با راه‌اندازی گروه‌های پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی خانواده، مطالعات تطبیقی خانواده، آموزش و مشاوره خانواده و حقوق خانواده تحقیقات گسترده‌ای صورت پذیرد و نتایج آن به صورت کاربردی ارائه شده، توسط دستگاه‌های ذیربط به کار بسته شود. نقش دانشگاه‌ها مخصوصاً دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی بسیار مهم است و می‌تواند بخش عمده این نیاز را تأمین کند.

سیاست‌های تشویقی انجمن اولیاء و مربیان در جلب توجه و امعان‌نظر اندیشمندان و محققان، هنرمندان و نویسندگان منجر به ایجاد بخش خانواده در جشواره بین‌المللی فیلم‌های رشد و جشواره مطبوعات (بخش خانواده) شده است. امیدواریم این مجموعه فعالیت‌ها با راه‌اندازی و فراگیر شدن "مدرسه اولیاء" در شهرستانها تکمیل شود.

انجمن اولیاء و مربیان ارائه شده است در چهار بخش: آموزش جوانان در آستانه ازدواج، آموزش خانواده‌های جوان، آموزش خانواده‌هایی که کودک دبستانی دارند و آموزش خانواده‌هایی که نوجوان و جوان دارند، آگاهی‌های لازم را به پدران و مادران و خانواده‌های داوطلب عرضه می‌کند. آموزش و پرورش در سال گذشته توفیق داشته بیش از سه میلیون نفر از خانواده‌ها را تحت پوشش این آموزشها قرار دهد و دوازده میلیون نفر از والدین در جلسات توجیهی انجمن‌های اولیاء و مربیان در مدارس شرکت کنند.

وزارت آموزش و پرورش علاوه بر این آموزشها در جهت ارتقای آموزش‌های پایه اقدام به سوادآموزی نمود که کاهش تعداد بیسوادان کشور از ۱۵ میلیون نفر به ۹/۵ میلیون نفر و ارتقای میزان باسوادان کشور از ۵۴٪ به ۸۲٪ در کشور، صفحات افتخار آفرینی در کارنامه دستگاه تعلیم و تربیت نظام جمهوری اسلامی است و یقیناً افزایش میزان باسوادی در دستیابی به آگاهی‌های مورد نیاز خانواده مؤثر است.

در کنار ارائه این آموزشها با تأسیس و راه‌اندازی یکصد باب مرکز مشاوره و راهنمایی خانواده، علاوه بر کلینیک‌های مشاوره‌ای دانش‌آموزان، برای حل مشکلات رفتاری خانواده‌ها و ارائه راهنمایی‌های لازم در جهت بهبود شرایط زندگی در سراسر کشور اقدام شده است.

تأسیس پژوهشکده تعلیم و تربیت و انجام تحقیقات و پژوهشهای مورد نیاز در زمینه تعلیم و تربیت و مسائل مربوط به آن گامی مثبت در جهت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و اجرای

